جايگاه نماز در اسلام

از ديدگاه كتاب و سنت

**تأليف:**

**دكتر سعيد بن علي بن وهف قحطاني**

### ترجمه:

**عبد القادر ترشابي**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | جايگاه نماز در اسلام از ديدگاه كتاب و سنت | | | |
| **تألیف:** | دكتر سعيد بن علي بن وهف قحطاني | | | |
| **ترجمه:** | عبد القادر ترشابي | | | |
| **موضوع:** | مواعظ و حکمت‌ها | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمة مترجم 3](#_Toc238649159)

[مقدمه مؤلف 6](#_Toc238649160)

[مفهوم نماز 8](#_Toc238649161)

[حكم نماز 11](#_Toc238649162)

[منزلت نماز در اسلام 12](#_Toc238649163)

[آخرين وصيت رسول اكرم به امتش، نماز بود 15](#_Toc238649164)

[ويژگي‌هاي نماز در اسلام 18](#_Toc238649165)

[حكم تارك نماز 21](#_Toc238649166)

[فضيلت نماز 24](#_Toc238649167)

مقدمة مترجم

إن الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحمَدُه ونَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا ومن سَيّئات أعمالنا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يُضْلِلهِ فَلا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وحده لا شريك له وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

خواننده عزیز! همه ما بزودی از دنیا خواهیم رفت و در پیشگاه خداوند متعال، حاضر خواهیم شد. در آنجا نیز بخاطر همه اعمال كوچک و بزرگی كه انجام‌ داده‌ایم، محاسبه خواهیم شد. بعد از آن نمی‌دانیم كه چه سرنوشتی در انتظار ماست آیا با انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین حشر شده و به بهشت می‌رویم كه نعمت های جاودانی آن را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ كسی هم خطور نكرده است یا خدای نكرده به دوزخ می‌رویم كه سراسر عذاب و شكنجه و آه و ناله و پشیمانی و گریه است.

پس بیاییم و قبل از اینكه فرصت از دست برود، از خواب غفلت بیدار شویم و فریب این دنیای فانی را نخوریم و زندگی خود را در راه اطاعت از خدا و رسولش سپری نماییم چرا كه سعادت دنیا و آخرت، در این راه، نهفته است.

خواننده گرامی! باید بدانیم كه نماز، ستون دین است و بوسیله نماز است كه مسلمان از كافر و منافق ازمؤمن، شناخته می‌شود.

همچنین نماز، اولین چیزی است كه روز قیامت، بنده بخاطر آن محاسبه می‌شود و اگر نمازش، پذیرفته شود رستگار می‌گردد و اگر نمازش، پذیرفته نشود،‌ ‌ناكام می‌گردد و زیان می‌بیند.

لذا همیشه باید به یاد آن لحظاتی باشیم كه در پیشگاه پروردگارمان، حاضر می‌شویم. لحظاتی كه افراد آگاه، سختی آن را درک می‌كنند و پرهیزگاران، شدت و حشت آن را می‌شناسند. پس بكوشیم تا خود را برای آن لحظات جان‌گداز، آماده سازیم.

و از آنجا كه نماز، مهم‌ترین عملی است كه در آن لحظات حساس و سرنوشت ساز، به فریاد انسان ‌‌‌می‌رسد و متأسفانه در این زمینه، كتابی مختصر و مفید كه مورد استفاده عموم مردم قرار گیرد، وجود نداشت یا حداقل بنده سراغ نداشتم، اقدام به ترجمه این رساله مختصر، تألیف دكتر علی بن سعید بن وهف قحطانی نمودم تا مورد استفاده عموم مسلمانان فارسی زبان قرار گیرد.

مؤلف محترم در این رساله، مفهوم، حكم، منزلت، ویژگیها، فضایل نماز و حكم تارک آن را در پرتو كتاب و سنت، با زبانی بسیار ساده، بیان نموده است.

در اینجا فقط ذكر یک نكته را لازم و ضروری می‌دانم و آن اینكه مؤلف محترم معتقد است كه تارک نماز، كافر می‌شود. باید دانست كه این، فقط رأی یک گروه از علمای سلف است كه از آن جمله می‌توان از علی بن ابی طالب‌ ، عبد الله بن مبارک و اسحاق بن راهویه و طبق یک روایت، احمد بن حنبل نام برد. همچنین عبد الله بن شقیق می‌گوید: اصحاب محمد بجز ترک نماز، ترک هیچ عمل دیگری را كفر نمی‌دانستند. (روایت ترمذی).

اما گروهی دیگر از سلف، مانند‌ امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی، و جمع زیادی از متأخرین، تارک نماز را كافر نمی‌دانند.

بهر حال، اگر كسی می‌خواهد در این زمینه تحقیق كند می‌تواند به سایر كتاب های بزرگ، مراجعه نماید.

در پایان، از استاد بزرگوارم حاج محمدعلی ناتوزائی كه زحمت ویرایش این رساله را متحمل شد، كمال تشكر را دارم. و از خداوند منان مسألت می‌نمایم كه این عمل ناچیز را از بنده بپذیرد و روز قیامت، آن را در ترازوی اعمال نیك‌ام قرار دهد.

التماس دعای خیر

عبد القادر ترشابی

18رجب 1425 هـ .ق

مقدمه مؤلف

سپاس از آن خداست. او را سپاس می‌گوییم، از او كمک می‌خواهیم و طلب مغفرت می‌نماییم. و از بدیهای نفس و اعمال زشتمان به خدا، پناه می‌بریم.كسی را كه خدا هدایت نماید، هیچ كس نمی‌تواند گمراه نماید و كسی را كه خدا گمراه كند، هیچ كس نمی‌تواند او را هدایت نماید. و گواهی ‌‌می‌دهم كه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد. او، یگانه است و هیچگونه شریكی ندارد. و گواهی‌ می‌دهم كه محمد ‌، بنده و فرستاده خداست. درود و سلام فراوان خداوند بر او و اهل بیتش، صحابه و پیروانش تا روز قیامت، باد. اما بعد:

این رساله مختصر در باره منزلت نماز در اسلام است كه در آن بطور خلاصه، مفهوم نماز، حكم، منزلت، ویژگیها، فضیلت و حكم تارک آن را توأم با دلیل از كتاب و سنت، بیان نموده ام. قابل یادآوری است كه در این رساله، از سخنان شیخ عبد‌العزیز بن عبدالله به كثرت استفاده نموده‌ام. از خداوند مسئلت می‌نمایم كه در بهشت برین به ایشان، رفع درجات عنایت فرماید. و همچنین از الله می‌خواهیم كه این عمل را مبارک و خالص بگرداند و آن را در زندگی و بعد از مرگ برای من و همه كسانی كه این رساله بدست آنها می‌رسد، مفید گرداند. زیرا او بهترین ذاتی است كه از او درخواست می‌شود و گرامی‌ترین ذاتی است كه انسان به او امیدوار می‌گردد. او ما را كفایت می‌كند و او، بهترین كارساز است. و باید دانست كه انسان از خودش، هیچگونه توان و قدرتی ندارد مگر اینكه عنایت خداوند، شامل حالش گردد. وصلي الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله واصحابه ومن تبعهم باحسان الى يوم الدين.

مؤلف

جمعه 18/8/1420 هـ . ق

مفهوم نماز

نماز در لغت بمعنی دعا است. خداوند می‌فرماید:

﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٣﴾ [التوبة: 103].

«ای پیامبر از اموال آنان، زكات بگیر كه باعث پاكی و تزكیه آنها می‌‌شود و برای آنان، دعا كن چرا كه دعایت، آرامش برای آنان بحساب می‌آید و خداوند، شنوا و داناست».

چنانچه مشاهده می‌كنیم كلمه «صل» بمعنی «دعا كن» است.

نبی اكرم می‌فرماید: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيُجِبْ فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَطْعَمْ»([[1]](#footnote-1)). «اگر كسی از شما (برای صرف غدا) دعوت شد، اجابت نماید. اگر روزه داشت، (برای صاحب غذا) دعای (خیر و بركت و استغفار) نماید. و اگر روزه نداشت، غذا بخورد». باید دانست كه صلاه یعنی درودی كه از طرف خداوند باشد، بمعنی ثناء و ستایش است و درودی كه از طرف فرشتگان باشد، بمعنی دعا است. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ [الأحزاب: 56].

«همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر، درود می‌فرستند. ای كسانی كه ایمان آورده‌اید، (شما هم) بر او، درود و سلام بفرستید».

ابو‌العالیه می‌گوید: صلاه (درود) خداوند بمعنی تعریف و تمجید او، نزد فرشتگان است و درود فرشتگان بمعنی دعا است. و ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یصلّون یعنی تبریک می‌گویند([[2]](#footnote-2)).

و برخی گفته اند: درود خدا یعنی همان رحمت الهی است و درود فرشتگان بمعنی استغفار كردن آنان است. و صحیح و درست، همان قول اول است([[3]](#footnote-3)).

خداوند می‌فرماید:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ ١٥٧﴾ [البقرة: 157].

«آنان (همان بردباران با ایمانی هستند كه) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می‌گردد و مسلماً ایشان راه یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند».

چنانچه مشاهده می‌كنیم رحمت، بر صلوات، عطف شده است و اقتضای عطف، مغایرت می‌باشد.

پس صلاتی كه از طرف خداوند باشد بمعنی ستایش است و صلاتی كه از طرف مخلوقات یعنی فرشتگان، جن وانس باشد، بمعنی نماز، ركوع، سجده، دعا و تسبیح گفتن است. و صلاتی (درودی) كه از طرف پرندگان و خزندگان باشد، بمعنی تسبیح گفتن است([[4]](#footnote-4)).

و «صلاة» در اصطلاح شریعت، عبارت از: عبادتی است كه بخاطر خداوند، انجام می‌گیرد و شامل اقوال و افعال معین و ویژه ای می‌باشد كه با تكبیر، آغاز و با سلام، به پایان می‌رسد و این، اقوال و افعال مخصوص، «صلاة» نامیده شده اند زیرا دعا را نیز در برمی‌گیرند([[5]](#footnote-5)).

در نتیجه كلمه «صلاة» كه در آغاز به هر دعایی، اطلاق می‌شد، از آن مفهوم، انتقال پیدا كرد و هم اكنون بخاطر مناسبتی كه میان دعا و نماز وجود دارد، همان افعال و اقوال مخصوص، كلمه صلاة یعنی نماز، اطلاق می‌شود. پس هرگاه، كلمه «صلاة» یعنی نماز در شریعت اطلاق شود، مفهوم آن، فقط نماز با همان افعال و اقوال مخصوص است([[6]](#footnote-6)).

و سرتاسر نماز، دعا یعنی طلب و درخواست است: زیرا طلب و درخواست یا با سؤال كردن، مطرح می‌شود چنانچه دعا كننده، خواهان جلب منفعتی و یا دفع ضرری می‌شود و طلب اینگونه نیازها از خداوند، فقط با زبان و سؤال كردن، انجام می‌گیرد.

یا اینكه طلب و درخواست با عبادت انجام می‌گیرد. چنانكه انسان با اعمال نیک از قبیل نماز، ركوع، سجده و غیره، طلب اجر و ثواب می‌نماید. پس كسی كه این، عبادات را انجام می‌دهد، در واقع با زبان حال از خداوند، طلب مغفرت می‌نماید. و از سخنان فوق، روشن می‌شود كه سرتا سر نماز، دعا و درخواست با زبان و یا طلب و در خواست بوسیله عبادت است چرا كه نماز هر دو نوع را در بر می‌گیرد([[7]](#footnote-7)).

حكم نماز

قرآن، سنت و اجماع امت، نماز را بر هر مسلمان عاقل و بالغ، فرض گردانیده است. فقط بر زنی كه در دوران حیض یا نفاس بسر می‌برد، فرض نیست.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾ [البينة: 5].

«و به آنان دستور داده نشده است مگر اینكه خداوند را مخلصانه و حق گرایانه پرستش نمایند و فقط بر دین او باشند و نماز را بر پای دارند و زكات بدهند. و این است آیین راست و درست».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ [النساء: 103].

«همانا نماز بر مؤمنان فرض است و اوقات معینی دارد».

هنگامی كه نبی اكرم معاذ را به یمن فرستاد، فرمود: «و به آنها اعلام كن كه خداوند در شبانه روز، پنج نماز بر آنها فرض گردانیده است»([[8]](#footnote-8)).

ابن عمر می‌گوید: نبی اكرم فرمود:‌ «بُنِيَ الإِسْلامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ و َإِقَامِ الصَّلاةِ و َإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَان و الحج لِمَنِ استَطَعتُم»([[9]](#footnote-9)). «اسلام بر پنج چیز بنیان گذاری شده است: 1ـ گواهی دادن بر اینكه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد 2ـ برگزاری نماز 3ـ پرداخت زكات 4ـ روزه گرفتن رمضان5ـ حج بیت الله برای كسی كه استطاعت آن را دارد».

عباده بن صامت می‌گوید: شنیدم كه رسول الله فرمود: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يُضَيِّعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ»([[10]](#footnote-10)). «خداوند، پنج نماز بر بندگانش، فرض نموده است. هر كس، آنها را بدون استخفاف، ادا نمايد و ضايع نگرداند، خداوند، عهد نموده است كه او را وارد بهشت نمايد».

آیات و احادیث درباره فرضیت نماز بسیار زیادند كه ما به ذكر همین اندازه اكتفا می‌كنیم.

همچنین امت اسلام بر فرض بودن پنج نماز در شبانه روز، اجماع نموده اند([[11]](#footnote-11)).

اما نمازهای پنج گانه بر زنانی كه در دوران عادت ماهیانه و یا نفاس بسر می‌برند، فرض نیست زیرا رسول اكرم فرمود: «ألَيسَت إِذَا حاضَت لَم تُصَلِّ وَ لَم تَصٌم»([[12]](#footnote-12)). يعنی: «مگر نه اين است كه زن، در دوران عادت ماهانه، نماز نمى‌خواند و روزه نمى‌گيرد؟».

منزلت نماز در اسلام

نماز در اسلام از جایگاه بسیار والایی برخور دار است. و دلایل آن عبارتند از:

1- نماز، ستون دین است. و باید دانست كه دین بدون این ستون، برپا نمی‌شود. معاذ می‌گوید: نبی‌اكرم فرمود: «رَأْسُ الأَمْرِ الإِسْلامُ وَعَمُودُهُ الصَّلاةُ وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَاد»([[13]](#footnote-13)). یعنی: «رأس امور اسلام و ستون آن، نماز است. و قله آن، جهاد می‌باشد». و باید دانست كه اگر ستون بیفتد، ساختمان، نابود خواهد شد.

2- اولین عملی كه بنده بخاطر آن محاسبه می‌شود، نماز است. و خوبی و بدی اعمال انسان، به نمازش، بستگی دارد. انس بن مالک روایت می‌كند كه نبی اكرم فرمود:

«أَوَلٌ ما يٌحاسَبٌ بِهِ العَبدٌ يَومَ القيِامَة: الصَلاة، فَإِن صَلَحتَ، صَلحَ سائِر عَمَله و إِن فَسَدَت، فَسَدَت سائِرِ عَمَله»وَ فِي رِوايَة: «اَوَلَ مَا يٌسألٌ عَنهٌ العَبدٌ يَوم القيِامَة يٌنظَر في صَلاته فَإِن صَلَحتَ فَقَد اَفلحَ وَ إِن فَسَدتَ فَقَد خاب وَ خَسَر»([[14]](#footnote-14)). «اولین چیزی كه در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش، درست باشد، سایر اعماش، نیز درست خواهد بود. و اگرنمازش، فاسد باشد، سایر اعمالش، فاسد خواهد بود».

و در روایتی، آنحضرت فرمود: «اولین چیزی كه در روز قیامت، از بنده می‌پرسند و آن را بررسی می‌كنند، نماز است. اگر نمازش، درست باشد، رستگار می‌شود. و اگر نمازش، فاسد باشد، ناكام می‌شود و زیان می‌یابد».

تمیم داری می‌گوید: رسول الله‌ فرمود: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَلاتُهُ فَإِنْ أَكْمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ نَافِلَةً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَكْمَلَهَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِمَلَائِكَتِهِ انْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَأَكْمِلُوا بِهَا مَا ضَيَّعَ مِنْ فَرِيضَتِهِ ثُمَّ تُؤْخَذُ الْأَعْمَالُ عَلَى حَسَبِ ذَلِكُ»([[15]](#footnote-15)). «اولین چیزی كه در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش را كامل ادا نموده است، بطور كامل، برایش بحساب می‌آید. و اگر نمازش را بطور كامل ادا نكرده است، خداوند به فرشتگانش می‌گوید: ببینید آیا بنده‌ام، نماز نفلی دارد كه فرایضش را بوسیله آن، كامل كنید؟ بعد از آن، محاسبه زكات و سایر اعمال به همین ترتیب، انجام می‌گیرد».

3- آخرین چیزی كه از دین، ضایع می‌شود، نماز است. پس اگر نماز كه آخرین امر دین است، ضایع گردد، چیزی از آن، باقی نمی‌ماند.

ابوامامه می‌گوید: رسول الله فرمود: «لَيُنْقَضَنَّ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةً عُرْوَةً فَكُلَّمَا انْتَقَضَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّثَ النَّاسُ بِالَّتِي تَلِيهَا وَأَوَّلُهُنَّ نَقْضًا الْحُكْمُ وَآخِرُهُنَّ الصَّلَاة»([[16]](#footnote-16)). «ريسمان‌هاى اسلام، يكى پس از ديگرى، كنده مى‌شوند. هر گاه، يكى كنده شود، مردم به ريسمانهاى بعدى، چنگ مى‌زنند. اولين ريسمانى كه كنده مى‌شود، حكومت (حاكميت اسلام) است و آخرين آنها، نماز مى‌باشد».

و در روایتی دیگر، رسول خدا فرمود: «اولین چیزی كه از میان مردم، برداشته می‌شود، امانت است وآخرین چیزی كه باقی می‌ماند، نماز است و چه بسا نمازگزاری یافت می‌شود كه هیچگونه خیری نداشته باشد»([[17]](#footnote-17)).

آخرين وصيت رسول اكرم به امتش، نماز بود

نماز، آخرین وصیتی است كه نبی اكرم امتش را به آن، وصیت كرد. ام سلمهب می‌گوید: یكی از آخرین وصیت های رسول الله این بود كه «الصَّلاةَ الصَّلاةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهم عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُلَجْلِجُهَا فِي صَدْرِهِ وَمَا يَفِيصُ بِهَا لِسَانُهُ»([[18]](#footnote-18)).

5- خداوند، اقامه كنندگان نماز و كسی را كه خانواده‌اش را بدان امر می‌كند ستوده است آنجایی كه می‌فرماید:

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَصَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ٥٤ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِوَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ٥٥﴾ [مريم: 54-55].

«و در قران از اسماعیل یاد كن. او در وعده هایش راست، و پیامبر والا مقامی بود. وخانواده اش را همواره به خواندن نماز و دادن زكات، دستور می‌داد و نزد پروردگارش، مورد رضایت بود».

6- خداوند، كسانی را كه تنبلی می‌كنند و نماز را ضایع می‌نمایند، مذمت نموده است. چنانچه می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمۡ وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٤٢﴾ [النساء: 142].

«همانا منافقان، خدا را فریب می‌دهند در حالی كه خداوند، آنان را فریب می‌دهد. و هنگامی كه برای نماز بر می‌خیزند با سستی و تنبلی، و برای نشان دادن مردم، نماز می‌خوانند. و خدا را فقط اندكی یاد‌ می‌كنند».

7- بزرگ‌ترین ركن و ستون اسلام بعد از شهادتین، نماز است.

عبد الله بن عمر ب می‌گوید: نبی اكرم ‌ فرمود: «بُنِيَ الإِسْلامَ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لا‌إِلَهَ‌إِلا‌اللَّهُ وأنَّ مُحمَداً رَّسول الله وَإِقَامِ الصَّلاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ»([[19]](#footnote-19)). «اساس اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است. 1ـ گواهی دادن بر اینكه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد و محمد فرستاده خداست. 2ـ برپا داشتن نماز. 3ـ پرداخت زكات. 4ـ روزه ماه مبارک رمضان. 5ـ حج بیت الله الحرام».

8- یكی از اموری كه بر عظمت نماز دلالت می‌كند، اینست كه خداوند، آن را بواسطه جبرئیل و در زمین، فرض نگرداند بلكه بدون واسطه در شب معراج و بالای هفت آسمان، آن را فرض نمود.

9- در ابتدا، پنجاه نماز، فرض شد. و این، خود، دلیلی است بر اینكه خداوند، نماز را بسیار

دوست دارد. آنگاه، خداوند آنقدر تخفیف داد تا اینكه در نهایت، پنج نماز در شبانه روز بر بندگانش، فرض نمود. و این نمازها اگرچه عملاً پنج تا هستند ولی در ترازوی اعمال انسان، پنجاه نماز بحساب می‌آیند. و این، جایگاه بلند نماز را می‌رساند.

10- و از آنجا كه نماز از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، خداوند اعمال رستگاران را با نماز آغاز نموده و با نماز به پایان رسانیده است چنانكه می‌فرماید:

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ٤ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ٥ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٦ فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٧ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٨ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٩﴾ [المؤمنون: 1-9].

«همانا مؤمنان، رستگار شدند. آن كسانی كه در نمازشان، خشوع دارند، و از كارهای بیهوده، روی می‌گردانند، زكات اموالشان را می‌پردازند و شرمگاهایشان را حفاظت ‌‌می‌كنند بجز همسران و كنیزان خود. كه در این صورت، قابل سرزنش نیستند. و كسانی كه غیر از این را دنبال كنند، آنان تجاوزكارند.ـ همچنین مؤمنان رستگارـ كسانی هستند كه امانت دارند و به عهد و پیمان خود، وفا می‌كنند و از نمازهایشان محافظت می‌كنند».

11- خداوند به نبی اكرم و پیروانش دستور داده است كه خانواده های خود را به خواندن نماز، امر كنند:

﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡ‍َٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ١٣٢﴾ [طه: 132].

«خانواده‌ات را به خواندن نماز، امر كن و خود نيز بر خواندن آن، استقامت كن. ما از تو روزی نمی‌خواهيم بلكه ما به تو روزی می‌دهيم و سر‌انجام از آن پرهيزگاری است».

عبد الله بن عمر می‌گوبد: نبی اكرم فرمود: «مُرُوا أَوْلادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِع»([[20]](#footnote-20)). «فرزندانتان را در سن هفت سالگی، به خواندن نماز وادار كنید و در ده سالگی، آنها را بخاطر نماز، تنبیه كنید و محل خواب آنها را جدا كنید».

12- به كسی كه خواب بیفتد و یا نمازی را فراموش كند، دستور داده شده است تا قضای آن را بجای آورد. و این، اهمیت نماز را می‌رساند. انس بن مالک می‌گوید: نبی اكرم‌ فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلاةً فَلْيُصَلهاِ إِذَا ذَكَرَهَا لا كَفَّارَةَ لَهَا إِلا ذَلِكَ». «هر كس نمازی را فراموش كرد، هنگامی كه بیادش آمد، آن را بخواند. زیرا نماز، كفاره‌ای جز این (قضا آوردن) ندارد».

و در روایتی از صحیح مسلم، چنین آمده است كه رسول اكرم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا»([[21]](#footnote-21)). «هر كس نمازی را فراموش كرد یا خواب رفت، كفاره‌اش اینست كه هنگام یاد آمدن (یا بیدار شدن) آن را بخواند».

همچنین، كسی كه سه روز یا كمتر، بی‌هوش شود، حكم كسی را دارد كه خواب رفته باشد (بعد از اینكه به هوش آمد، نمازهای فوت شده را بخواند) و این مطلب از عمار، عمران بن حصین و سمره بن جندب روایت شده است([[22]](#footnote-22)).

ولی اگر دوران بیهوشی، بیشتر از سه روز باشد، قضا آوردن نمازهای فوت شده، لازم نیست زیرا شخصی كه بیشتر از سه روز بیهوش شود، در زوال عقل به انسانی كه دیوانه است شباهت دارد. و الله اعلم([[23]](#footnote-23)).

ويژگي‌هاي نماز در اسلام

نماز، ويژگيهاى منحصر به فردد دارد كه ساير اعمال نيك از اين ويژگيها، برخوردار نيستند. ما در اين باره به بيان برخد از آنها می‌پردازيم:

1- خداوند، در قرآن كریم، نماز را ایمان نامیده است:

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾ [البقرة: 143].

«خداوند، ایمان ـ یعنی نماز شما را كه بسوی بیت‌المقدس خوانده ایدـ ، ضایع نمی‌كند همانا خداوند رؤف و مهربان است».

2- خداوند، نماز را از سایر عبادات، بطور ویژه ذكر نموده است:

﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ﴾ [العنكبوت: 45].

«آنچه را كه از قرآن به تو وحی شده است، بخوان ـ و به آن عمل كن ـ و نماز را برپای دار».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ﴾ [الأنبياء: 73].

«و به آنها انجام كارهای نیک و اقامه نماز را وحی كردیم».

3- نماز در قرآن كریم، در كنار بسیاری از عبادات، ذكر شده است. از جمله، در كنار زكات. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾ [البقرة: 43].

ج ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ ٢﴾ [الكوثر: 2].

«پس برای پروردگارت، نماز بخوان و قربانی كن».

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢﴾ [الأنعام: 162].

«بگو: نماز، عبادت، زندگی و مرگ من از آن خداست كه پروردگار جهانیان است».

4- با وجودی كه خداوند به پیامبرش دستور داده است كه در سایر عبادات، ثابت قدم باشد و فرموده است: (واصطبر لعبادته) در مورد نماز تأكید ویژه نموده است:

﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡ‍َٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَ﴾ [طه: 132].

«خانواده‌ات را به نماز، امر كن و خود نیز بر خواندن آن، ثابت قدم باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلكه ما به تو روزی می‌دهیم».

5- خداوند در تمام حالت ها، نماز را واجب قرار داده است حتی در این باره، مریض، مسافر و كسی را كه در حال ترس و وحشت بسر می‌برد، معذور ندانسته است. بلكه گاهی، در شرایط آن، تخفیف قایل شده است و گاهی هم تعداد ركعات آن را كمتر نموده است و در شرایط خاص هم، روشن نماز خواندن را تغییر داده است. و تا زمانی كه انسان ازعقل برخوردار است، نماز از وی، ساقط نمی‌شود.

6- خداوند، در نماز، بهترین حالت ها را شرط قرار داده است. فرد باید با وضو باشد، خودش را با زینت لباس، بیاراید و رو به قبله نماید. در حالی كه در سایر عبادات، این امور، شرط نیستند.

7- در نماز، قلب، زبان و سایر اعضای انسان، بكار گرفته می‌شود حال آن كه در سایر عبادات، چنین نیست.

8- در نماز، نباید ذهن و فكر انسان به جایی دیگر برود.

9- نماز، دین خداست كه اهل آسمانها و زمین توسط آن، خدا را بندگی می‌كنند. و كلید همه ادیان آسمانی است و هیچ پیامبری مبعوث نشده است مگر اینكه نماز در شریعتش وجود داشته است.

10- نماز در كنار ایمان و تصدیق انبیاء ذكر شده است. خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ٣١ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ٣٢﴾ [القيامة: 31-32].

«انسان كافرـ خدا را تصدیق نكرد و نماز نخواند بلكه تكذیب كرد و روی گردانی نمود».

در پایان باید دانست كه نماز، ویژگیهای زیادی دارد كه با سایر عبادات، قابل مقایسه نیست([[24]](#footnote-24)).

حكم تارك نماز

ترک نماز‌های فرض، كفر محسوب می‌شود. پس هر كس كه نماز را ترک كند و منكر وجوب آن شود به اجماع علما، وارد كفر اكبر می‌شود اگر چه گاهی هم نماز بخواند([[25]](#footnote-25)).

اما اگر كسی، معتقد به وجوب نماز باشد و آن را انكار نكند ولی بطور كلی، نماز نخواند، چنین شخصی نیز كافر می‌شود. (و درباره اینكه این كفر، كفر اكبر است و او را از دایره اسلام خارج می‌كند یا خیر، نزد علما اختلاف نظر وجود دارد) اما قول صحیح، این است كه كفر چنین شخصی، كفر اكبر است و او را از دایره اسلام، خارج می‌كند. در این باره، دلایل زیادی وجود دارد كه ما بطور مختصر به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

1- خداوند می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ وَيُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ٤٢ خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ ٤٣﴾ [القلم: 42-43].

«روزی كه از ساق، پرده بردارند و خلق را دعوت به سجده كنند، آنان نمی‌توانند سجده كنند. چشمانشان، پایین افتاده است و خواری و ذلت، وجودشان را فرا گرفته است. آنها در ـ دنیاكه سالم بودند، دعوت به سجده می‌شدند ـ ولی سجده نمی‌كردند».

آیه فوق، دلالت بر این دارد كه فرد بی نماز، در روز قیامت، كنار كفار و منافقینی قرار می‌گیرد كه كمرشان برای سجده خم نمی‌شود.

اگرفرد بی نماز، مسلمان بشمار می‌رفت همانطور كه در روز قیامت به مسلمانان، اجازه داده می‌شود كه سجده كنند به او نیز اجازه داده می‌شد كه سجده كند.

2- خداوند می‌فرماید:

﴿كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ٣٨ إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ٣٩ فِي جَنَّٰتٖ يَتَسَآءَلُونَ ٤٠ عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٤١ مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ٤٢ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ٤٣ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ٤٤ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ٤٥ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤٦ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ٤٧ فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ٤٨﴾ [المدثر: 38-48].

«روز قیامت، هر نفسی در گرو اعمال خویش است. مگر دست راستیها كه در بهشت بسر می‌برند و از گناهكاران می‌پرسند: چه چیزی شما را به دوزخ انداخت؟ می‌گویند: ما نماز نمی‌خواندیم و به مسكین، طعام نمی‌دادیم و با اهل باطل، همنشین بودیم و حق را به تمسخر می‌گرفتیم و روز قیامت را قبول نداشتیم».

در این آیات، فرد بی‌نماز، جزو گناهكارانی است كه به دوزخ می‌روند. خداوند در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ ٤٧ يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ٤٨﴾ [القمر: 47-48].

«همانا گناهكاران در گمراهی و آتش، بسر می‌برند. روزی كه بر چهرهایشان در آتش، ـ كشیده می‌شودـ و به آنان گفته می‌شود: ـ لمس كردن آتش را بچشید».

3- خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِۗ وَنُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ١١﴾ [التوبة: 11].

«اگر توبه كنند و نماز را بر پا دارند و زكات بدهند، پس برادران دینی شما هستند. ما آیات خود را برای كسانی كه اهل دانش هستند، بیان می‌كنیم».

خداوند در آیه فوق، نماز را شرط اخوت و برادری دانسته است.

4- عن جابر قال: سمعت قال: ‌رسول الله : «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكَ الصَّلاةِ»([[26]](#footnote-26)).

5- عن بریده قال: قال رسول الله : «اَلعَهدَ الَّذي بَينَنا وَبَينَهٌم تَركَ الصَلاة فَمَن تَرَكَها فَقَد كَفَر»([[27]](#footnote-27)). بریده می‌گوید: رسول الله فرمود: «پیمانی كه میان ما و آنان وجود دارد، ترک نمازست، پس هر كس، نماز را ترک كند، همانا كفر ورزیده است».

6- عبدالله بن شفیق می‌گوید: اصحاب محمد بجز ترک نماز، ترک هیچ عمل دیگری را كفر نمی‌دانستند([[28]](#footnote-28)).

7- تعداد زیادی از علما نقل كرده‌اند كه صحابه بر كفر تارک نماز، اجماع نموده‌اند([[29]](#footnote-29)).

8- ابن‌تیمیه می‌گوید: تارک نماز به ده دلیل، كافر می‌شود و كفرش هم، كفر اكبر است (یعنی فرد را از دایره اسلام، خارج می‌كند)([[30]](#footnote-30)).

9- ابن قیم / بیست و دو دلیل ذكر نموده است كه تارک نماز، كافر می‌شود و كفرش، كفر اكبر است([[31]](#footnote-31)).

باید گفت حقی كه در آن هیچ تردیدی وجود ندارد، اینست كه هر كس، نماز را مطلقاً ترک كند، با دلیل صریح فوق، كافر می‌شود.

ابن قیم / می‌گوید: قرآن و سنت و اجماع صحابه بر كفر تارک نماز دلالت دارند([[32]](#footnote-32)).

فضيلت نماز

1- نماز، انسان را اطز كارهای زشت و ناپسند، باز می‌دارد. خداوند می‌فرماید:

﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ٤٥﴾ [العنكبوت: 45].

«ای پیامبر! بخوان آنچه را كه از قرآن به تو وحی شده است و نماز را بر پای دار. همانا نماز، انسان را از كارهای زشت و ناپسند، باز می‌دارد. و یاد خداـ از همه چیزـ والاتر است و خداوند می‌داند كه شما چه كارهایی را انجام می‌دهید».

2- نماز، بعد از شهادتین، بهترین عمل، شمرده می‌شود. عبدالله بن مسعود می‌گوید: از رسول خدا پرسیدم: كدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «نمازی كه در وقتش خوانده شود». پرسیدم: بعد از آن، كدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «نیكی به پدر و مادر» پرسیدم: پس از آن كدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «جهاد در راه خدا»([[33]](#footnote-33)).

3- گناهان را شستشو می‌دهد. جابر بن عبدالله می‌گوید: رسول الله فرمود: «مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ غَمْرٍ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّات»([[34]](#footnote-34)). «مثال نمازهای پنج‌گانه مانند اینست كه نهر پر آبی، مقابل درب خانه یكی از شما جریان داشته باشد و شما روزانه، پنج مرتبه در آن، غسل نماید». پس همانطور كه هر كس، روزانه پنج بار غسل كند، چركی بر بدنش باقی نمی‌ماند، آن كس كه روزانه پنج بار نماز بخواند، گناهی برایش باقی نمی‌ماند. (مترجم)

4- نماز، باعث كفاره گناهان می‌شود. ‌ابوهریره‌ می‌گوید: رسول الله فرمود:

«الصَّلَوَاتِ الْخَمْسُ وَالْجُمْعَةُ إِلَى الْجُمْعَةِ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَائِرُ»([[35]](#footnote-35)). «نمازهای پنج گانه و جمعه تا جمعه دیگر و رمضان تا رمضان دیگر باعث كفاره گناهانی می‌شود كه حد فاصل آنها انجام گرفته است. البته گناهان كبیره از این قاعده مستثنی هستند (و نیاز به توبه دارند)».

5- نماز، در دنیا و آخرت، برای نمازگزار، نور است. عبدالله بن عمر ب می‌گوید: روزی رسول اكرم سخن از نماز بمیان آورد و فرمود: «مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلَا بُرْهَانٌ وَلا نَجَاةٌ وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ»([[36]](#footnote-36)). «هر كس كه از نمازش محافظت كند (پایبند آن باشد) روز قیامت، برایش نور و حجت و نجات خواهد بود. و هر كس از آن محافظت نكند، روز قیامت، برایش نور و حجت و نجاتی نخواهد بود و با قارون، فرعون، هامان و ابی بن خلف، حشر خواهد شد».

و در حدیث ابومالک اشعری آمده است كه رسول خدا فرمود: «نماز، نور است»([[37]](#footnote-37)). و در حدیث بریده آمده است كه نبی اكرم فرمود: «بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»([[38]](#footnote-38)). یعنی: «كسانی را كه در تاریكی ها به مساجد می‌روند، به نوری كامل در روز قیامت، مژده ده».

6- خداوند به وسیله نماز، به انسان رفع درجه، عنایت می‌كند و گناهانش را می‌بخشد. ثوبان می‌گوید: نبی اكرم خطاب به من فرمود: «عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةً»([[39]](#footnote-39)). یعنی: «بسیار، سجده كن زیرا خداوند با هر سجده، یک درجه به تو عنایت می‌كند و یک گناه، از تو محو می‌گرداند».

7- نماز، یكی از بزرگترین عوامل مرافقت نبی‌اكرم در بهشت است. ربیعه بن كعب اسلمی می‌گوید: با رسول اكرم بیتوته می‌كردم، شبی، آب وضو و آنچه را كه مورد نیاز رسول اكرم بود، برایش آوردم. آنحضرت به من گفت: «بخواه». گفتم: همراهی تو را در بهشت می‌خواهم. فرمود: «آیا خواسته دیگری هم داری»؟ گفتم: خواسته‌ام همین است. آنحضرت فرمود: «پس با كثرت سجده، مرا یاری كن»([[40]](#footnote-40)). (تا برایت شفاعت كنم)

8- رفتن برای نماز، باعث نوشته شدن حسنات، رفع درجات و ریختن گناهان می‌گردد. ابوهریره می‌گوید: رسول الله فرمود: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ مَشَى إِلَى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خَطْوَتَاهُ إِحْدَاهُمَا تَحُطُّ خَطِيئَةً وَالْأُخْرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً»([[41]](#footnote-41)). یعنی: «هر كس، در خانه اش طهارت نماید. سپس، بسوی یكی از خانه های خدا (مساجد) برود تا فرضی از فرایض خدا را ادا كند، با یک گام، گناهی از او می‌ریزد و با گام دیگر، درجه‌ای به درجاتش افزوده می‌شود».

و در حدیثی دیگر آمده است كه آنحضرت فرمود: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلاةِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمَهُ الْيُمْنَى إِلا كَتَبَ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَلَمْ يَضَعْ قَدَمَهُ الْيُسْرَى إِلا حَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةً»([[42]](#footnote-42)). یعنی: «هر یک از شما خوب وضو بگیرد. سپس بسوی مسجد، بیرون برود. هنگامی كه قدم راستش را بر می‌دارد، یک نیكی برایش نوشته می‌شود و هنگامی كه قدم چپش را به زمین می‌گذارد، یک گناه از گناهانش، نابود می‌شود».

9- رفت و آمد به مسجد باعث تدارک ضیافت، در بهشت می‌گردد. ابوهریره می‌‌گوید: نبی اكرم فرمود: «مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نُزُلا كُلَّمَا غَدَا أَوْ رَاحَ»([[43]](#footnote-43)). «هر كس به مسجد، رفت و آمد كند، خداوند، برای هر رفت و آمد و برگشتن، ضیافتی در بهشت، تدارک می‌بیند».

10ـ گناهانی كه از یک نماز تا نماز دیگر، انجام می‌گیرد، بوسیله نماز، بخشیده می‌شود. عثمان‌ می‌گوید: شنیدم كه رسول الله فرمود: «لا‌يَتَوَضَّأُ رَجُلٌ ‌مُسْلِمٌ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ فَيُصَلِّي صَلاةً إِلا‌غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا بَيْنَهُ ‌وَبَيْنَ الصَّلاةِ الَّتِي تَلِيهَا»([[44]](#footnote-44)). «هر فرد مسلمانی كه خوب وضو بگیرد و نمازی بخواند، خداوند، گناهانی را كه از این نماز تا نماز بعدی، انجام می‌گیرد، می‌بخشد».

11- نماز، باعث كفاره گناهان گذشته می‌شود. عثمان بن عفان ‌ می‌گوید: شنیدم كه رسول الله فرمود: «مَا مِنِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرَ كُلَّه»([[45]](#footnote-45)). یعنی: «هر فرد مسلمانی كه نماز فرضی را در یابد و برای آن، خوب وضو بگیرد و خشوع آن را بخوبی رعایت كند و ركوعش را هم درست انجام دهد، این نماز، باعث كفاره گناهان گذشته‌اش می‌شود. البته بجز گناهان كبیره. (نیاز به توبه دارند) و تمام عمر اینگونه است».

12- تا زمانی كه نمازگزار بر مصلایش نشسته باشد، فرشتگان برایش دعا می‌كنند و تا وقتی كه بخاطر نماز نشسته باشد، گویا مشغول نماز خواندن است.

ابوهریره می‌گوید: رسول الله فرمود: «صَلاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَصَلاتِهِ فِي سُوقِهِ بِضْعًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً وَذَلِكَ أَنَّ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لا يَنْهَزُهُ إِلا الصَّلاةُ لا يُرِيدُ إِلا الصَّلاةَ فَلَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلا رُفِعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلاةِ مَا كَانَتِ الصَّلاةُ هِيَ تَحْبِسُهُ وَالْمَلائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ يَقُولُونَ اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيهِ»([[46]](#footnote-46)). «نمازی را كه شخص، با جماعت، ادا می‌كند بر نمازی كه در خانه و یا بازار می‌خواند، بیست و اندی درجه، برتری دارد. بخاطر اینكه اگر شخص، خوب وضو بگیرد. سپس، به مسجد برود و هیچگونه انگیزه و هدفی بجز نماز نداشته باشد، با هر گامی كه بر می‌دارد، یک درجه به درجاتش، افزوده می‌شود و یک گناه از گناهانش، كم می‌گردد تا اینكه وارد مسجد شود. پس از ورود به مسجد تا زمانی كه بخاطر نماز، آنجا نشسته باشد، فرشتگان برایش دعا می‌كنند و می‌گویند: خدایا! به او رحم كن، خدایا! او را بیامرز، خدایا! توبه‌اش را بپذیر».

13- انتظار كشیدن برای نماز، جهاد در راه خدا، شمرده می‌شود. ابوهریره ‌ می‌گوید: رسول الله فرمود:

‌«أَلا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلاةِ بَعْدَ الصَّلاةِ فَذَلِكُمُ الرِّبَاطُ فَذَلِكُمُ الرِّبَاط»([[47]](#footnote-47)). «آیا شما را به چیزی، راهنمایی نكنم كه خداوند بوسیله آن، گناهان شما را نابود می‌كند و به درجات شما می‌افزاید؟ صحابه گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: كامل نمودن وضو هنگام مشكلات، زیاد، قدم برداشتن بسوی مساجد و انتظار نماز بعدی پس از هر نماز. پس اینست جهاد، اینست جهاد».

14- پاداش كسی كه برای نماز، بیرون می‌رود، مانند پاداش كسی است كه برای حج، احرام بسته است. ابوامامه می‌گوید: رسول خدا فرمود: «كسی كه ظهارت كند و برای ادای نماز فرض از خانه‌اش، بیرون برود، مانند پاداش كسی است كه برای حج، احرام بسته است. و پاداش كسی كه برای نوافل چاشت، بیرون برود و فقط، بخاطر آن، خسته شود، مانند پاداش كسی است كه عمره ای انجام داده است. و نمازی كه پس از نماز دیگر، خوانده شود و در میان آنها، كار بیهوده‌ای، انجام نگیرد، در علیین (نزد‌ خداوند) ثبت می‌گردد».

15ـ پاداش هر اهل نمازی كه نماز از دستش برود، مانند پاداش كسی است كه در نماز (جماعت)، حضور پیدا كرده است. ابوهریره می‌گوید: نبی‌اكرم فرمود: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا أَعْطاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَلاهَا وَحَضَرَهَا لا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا»([[48]](#footnote-48)). «هر كس، خوب وضو بگیرد. سپس، برود و ببیند كه مردم نماز (جماعت) خوانده‌اند، خداوند به او مانند كسی پاداش می‌دهد كه در نماز حضور یافته و آن را ادا كرده است بدون اینكه چیزی از اجر آنها كاسته شود».

16- هرگاه شخص، وضو بگیرد و برای ادای نماز، بیرون رود‌تا زمانیكه بر می‌گردد، در حال‌خواندن نماز، بحساب می‌آید‌و رفت و برگشت او، برایش نوشته می‌شود. ابوهریره‌ می‌گوید: رسول‌خدا فرمود: «إِذا تَوضَأ أحَدَكُم في بيته ثٌم أتي المَسجِد كان فِي صَلاة حَتي يَرجِع فَلا يَقٌل: هَكَذا وَ شَبكَ بَينَ أصَابه»([[49]](#footnote-49)). «هرگاه یكی از شما در خانه‌اش، وضو بگیرد، سپس، به مسجد برود تا زمانی كه برگردد، در نماز بسر می‌برد. پس اینگونه نكند. و انگشتان دستهایش را تو در تو نمود».

و در روایتی دیگر، ابوهریره می‌گوید: رسول الله فرمود: «مَن حيِنَ يَخرٌج مِن مَنزِله إِلي مَسجِدي فَرِجل تَكتٌب حَسَنَة وَ رِجلٌ تحطُّ سَيّئه حَتي يَرجِع»([[50]](#footnote-50)). «از زمانی كه یكی از شما از منزلش بسوی مسجد من، بیرون می‌آید، یک گامش، نیكی نوشته می‌شود و گام دیگرش، باعث بخشیده شدن گناهی می‌گردد تا زمانیكه مراجعت نماید».

1. - مسلم (1431). [↑](#footnote-ref-1)
2. - ثرقیع ابن عثیمین (3/228). [↑](#footnote-ref-2)
3. - نگا تفسیر ابن كثیر و شرح ممتع ابن عیثمین (3/228ـ 229). [↑](#footnote-ref-3)
4. - لسان العرب (14/465). [↑](#footnote-ref-4)
5. - المغنی (3/5) ابن قدامه والشرح الكبیر (3/5) و الانصاف فی معرفه الراجج من اغلاف (3/5) و التعریفات جرجانی (174). [↑](#footnote-ref-5)
6. - شرح العمده ابن تیمیه (2/30 - 31). [↑](#footnote-ref-6)
7. - نگا شروط الدعا و موانع الاجابه (10 - 11) توشته مؤلف. [↑](#footnote-ref-7)
8. - بخاری (1395) و مسلم (50). [↑](#footnote-ref-8)
9. - بخاری (8) و مسلم (16). [↑](#footnote-ref-9)
10. - سنن ابوداوود () و صحیح سنن ابوداوود (1/1،/266/86). [↑](#footnote-ref-10)
11. - المغنی ابن قدامه (3/6). [↑](#footnote-ref-11)
12. - بخاری (1/114) و مسلم. [↑](#footnote-ref-12)
13. - ترمذی (2616) و ابن ماجه (2/1314) و احمد (5/231). و ترمذی درباره آن، گفته است: این حدیث، حسن و صحیح است و آلبانی نیز آن را در ارواء القلیل (2/138) تحسین نموده است. [↑](#footnote-ref-13)
14. - روایت طبرانی در المعجم الأوسط (1/409) مجمع البحرین (532و533). و علامه آلبانی در سلسله احادیث صحیحه (3/346) می گوید: و بطور كلی این حدیث با مجموع طرقش، صحیح است. [↑](#footnote-ref-14)
15. - ابوداوود (864، 866) و ا بن ماجه (1425) و احمد (4/65، 903، 5/377) و صحیح الجامع آلبانی (2/353). [↑](#footnote-ref-15)
16. - احمد (5/251) و آلبانی آن را در صحیح الترغیب والترهیب (1/229)، صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-16)
17. - طبرانی در المعجم الصغیر [مجمع ا لبحرین] 7/263 شماره 4425 و این حدیث، شاهدی دارد كه آن را حكیم ترمذی روایت نموده است و آلبانی آن را در صحیح الجامع (2/353) آورده و آن را حسن دانسته است. [↑](#footnote-ref-17)
18. - احمد (6/290، 311، 321) و آلبانی در إرواء القلیل (7/238) آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-18)
19. - بخاری (8) و مسلم (16). [↑](#footnote-ref-19)
20. - ابوداوود (495) و احمد (2/180، 187) و آلبانی آن را در ارواء القلیل (2/7و 1/266) صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-20)
21. - روایت بخاری (597) و مسلم (648). [↑](#footnote-ref-21)
22. - الشرح الكبیر ابن قدامه (3/8) و المغنی (2/50 ـ 52). [↑](#footnote-ref-22)
23. - نگا مجموع الفتاوا شیخ عبد ا لعزیز بن عبد الله (2/457). [↑](#footnote-ref-23)
24. - نگا شرح العوده ابن تیمیه (2/87- 91) و الشرح ابن عثیمین (2/87) . [↑](#footnote-ref-24)
25. - تحفة الاخوان (73) تألیف شیخ عبدالعزیز. [↑](#footnote-ref-25)
26. - مسلم (76). [↑](#footnote-ref-26)
27. - روایت ترمذی (2621) و نسائی (1/231) و ابن ماجه (1079) و حاكم (1/6، 7) با تصحیح حاكم و موافقت دهبی. [↑](#footnote-ref-27)
28. - بروایت ترمدی (2622). [↑](#footnote-ref-28)
29. - نگا المحلی (2/242، 243) و كتاب الصلاه (26) ابن قیم و الشرح الممتع (2/28) تألیف ابن عثیمین. [↑](#footnote-ref-29)
30. - نگا شرح العمدة (2/81-94) تألیف ابن تیمیه. [↑](#footnote-ref-30)
31. - كتاب الصلاه (ص17-26) تألیف ابن قیم. ایشان، ده دلیل از قرآن و دوازده دلیل از سنت و اجماع صحابه ذر اینمورد ذكر نموده است. [↑](#footnote-ref-31)
32. - كتاب الصلاة ص(17). [↑](#footnote-ref-32)
33. - بخاری (7534) و مسلم (85). [↑](#footnote-ref-33)
34. - مسلم (668). [↑](#footnote-ref-34)
35. - مسلم (233). [↑](#footnote-ref-35)
36. - امام احمد در مسندش(2/169) و دارمی (2/301). و امام منذری در كتاب الترغیب والتهریب می‌گوید: ا مام احمد آن را با سند خوب روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-36)
37. - مسلم (223). [↑](#footnote-ref-37)
38. - ابوداوود (561) و ترمدی (223) و آلبانی در مشكاه (1/224) آن را صحیح دانسته است چون شواهد زیادی دارد. [↑](#footnote-ref-38)
39. - مسلم (488). [↑](#footnote-ref-39)
40. - مسلم (488). [↑](#footnote-ref-40)
41. - مسلم (666). [↑](#footnote-ref-41)
42. - ابوداوود (563). [↑](#footnote-ref-42)
43. - بخاری (662) و مسلم (669) . [↑](#footnote-ref-43)
44. - مسلم (227). [↑](#footnote-ref-44)
45. - مسلم (228). [↑](#footnote-ref-45)
46. - بخاری (2129) و مسلم (649). [↑](#footnote-ref-46)
47. - مسلم (251). [↑](#footnote-ref-47)
48. - ابوداوود (564) و نگا صحیح سنن ابوداوود (1/131). [↑](#footnote-ref-48)
49. - صحیح ابن خزیمه (1/229) و حاكم(1/206) با تصحیح حاكم و موافقت ذهبی و نگا صحیح ترغیب و ترهیب (1/118) تألیف آلبانی. [↑](#footnote-ref-49)
50. - صحیح ابن حبان (1620) و نسائی (2/42) و حاكم (1/217) با تصحیح حاكم و موافقت ذهبی و تصحیح آلبانی در صحیح ترغیب و ترهیب (1/121). [↑](#footnote-ref-50)